

| |
|--|
| عناوین |
| رزمایش رژیم تاکستان: علامت سرکوب های آتی |
| درس های تجمع اعتراضی سندیکای شرکت واحد در مقابل مجلس |
| گزارش فشرده ای از فعالیت های تاکنونی |
| «کارزار بین المللی شاهرخ زمانی رسماً افتتاح شد!» |

رزمایش تاکستان: علامت سرکوب های آتی

مدتی پیش رزمایشی از طرف به اصطلاح «مدافعان حریم ولایت» در شهر تاکستان قزوین برای تمرین سرکوب «فتنه گران فرضی» برگزار شد، با این تفاوت که این بار فتنه گران، کارگران معترضی فرض شده بودند که به وضعیت معیشت و حقوق شان اعتراض داشتند! این دومین رزمایش بعد از رزمایش بهمن ماه پارسال نیروهای بسیج سپاه برای برخورد با «اغتشاشات کارگری» در شهر کلاله است که معنی بسیار روشنی دارد.

منتها برای درک بهتر این تحرکات و رزمایش های رژیم که این بار مشخصاً با هدف سرکوب اعتراضات کارگری ترتیب داده شده است، باید مسأله را در بستر تحولات سیاسی و اقتصادی اخیر نگاه کنیم.

در حداقل یک دهه گذشته با شروع تحریم ها علیه جمهوری اسلامی و در شرایطی که بخش وسیعی از اپوزیسیون چپ مدام صحبت از خطر حمله نظامی به ایران می کرد، گرایش مارکسیست های انقلابی ایران به طور مداوم در تحلیل های خود توضیح می داد که جنگی در کار نیست و اصولاً سرمایه داری جمهوری اسلامی با وجود تمام شعارهای آن چنانی علیه غرب و به خصوص امریکا نهایتاً به دنبال مذاکره و سازش است، منتها برای کسب امتیاز بیشتر از طرف مقابل. در نتیجه در خود سازش تردیدی نیست، بلکه این تنها موضوع زمان است.

مشخصاً پیش از انتخابات ریاست جمهوری ۹۲، خیلی روشن این را گفتیم که الآن دقیقاً همان مقطعی است که جمهوری اسلامی مجبور است به روند بهبود روابط با کشورهای سرمایه داری و امپریالیستی غربی شدت ببخشد. چون در این مقطع شکاف های درونی رژیم بسیار حاد بود و شخص خامنه ای هر بار دچار خطاهای تاکتیکی فاحشی شده بود. این که کسانی مثل موسوی و کروبی به عنوان مهره های مورد تأیید رژیم ناگهان به «جریان فتنه» تبدیل شدن و بعداً جریان احمدی نژاد که علی الظاهر نظر رهبری به وی نزدیک تر بود به «جریان انحرافی»، باند حاکم را در موقعیت سختی قرار داده بود. از طرفی بعد از سرکوب اعتراضات سال ۸۸، بخش زیادی از جامعه دیگر تمایلی به شرکت در انتخابات فرمایشی نداشت. از طرف دیگر تحریم ها و انزوای بین المللی هم اثر

خود را گذاشته بود و ضمناً جنگ داخلی سوریه و پادرها بودن رژیم اسد به عنوان متحد اصلی حکومت ایران در منطقه، باعث ترس حاکمیت از آینده خود آن ها شده بود. مجموع همه این عوامل باعث شد تا مشخصاً در این مقطع جمهوری اسلامی تشخیص بدهد که باید «نرمش فهرمانه» را انجام بدهد. پیروزی حسن روحانی و بعداً توافق «برجام» ماحصل این وضعیت بود.

عموماً در برخی از تحلیل های چپ صحبت از این می شد و هم چنان نیز می شود که برجام اصولاً هیچ تأثیری بر جنبش کارگری ندارد. اما تناقض این بخش از چپ در این بوده و هست که مدام در مطالب و مقالات و تحلیل هایش از «نوشیدن جام زهر» حرف می زند، ولی فراموش می کند که اگر قرار نیست توافقات مطلقاً تأثیری داشته باشد، پس چرا دیگر «جام زهر» است؟ دیگر کدام «زهر»؟ و بعد این که چرا جمهوری اسلامی دقیقاً این فرایند را مثلاً ۵ یا ۱۰ سال پیش شروع نکرد؟

همان طور که بارها توضیح دادیم هرچند مذاکرات زیر عنوان «توافق هسته ای» صورت گرفت، اما واقعیت این بود که یک بسته پیشنهادی روی میز گذاشته شد که مسأله هسته ای تنها یک جزء یا حتی پوشش آن بود. در این بسته اتفاقاً مسأله جنبش کارگری ایران هم جزء موضوعات محوری بود.

بعد از برجام اخبار زیادی می شنویم از ورود شرکت های مخابرات و نفت و خودروسازی کشورهای انگلستان و فرانسه و امریکا و غیره به ایران. اما پیش شرط سرمایه گذاری، این است که در درجه اول امنیت سرمایه تضمین شود. هیچ فرد یا شرکتی مایل به سرمایه گذاری در جایی نیست که روزانه ده ها اعتصاب یا بعضاً حتی شورش با دخالت نیروهای امنیتی و نظامی رخ می دهد. این که خانه کارگر به عنوان نهاد رژیم دیگر کارایی خودش را از دست داده و ما با یک توده گسترده و معترض پراکنده از کارگران رو به رو هستیم، از منظر سرمایه های غرب اصلاً خوشایند نیست. چون در این حالت هر اعتراض صنفی می تواند به سادگی به یک شورش سیاسی تبدیل شود. در نتیجه آن ها می بایست پشت درهای بسته یک مکانیسم یا راهکاری پیدا می کردند که بتوانند جنبش کارگری ایران رو مهار کنند و تحت کنترل در بیاورند.

در همین زمینه بارها هشدار دادیم که این درست همان نقطه ای است که «سازمان بین المللی کار»، خانه کارگر و گرایش های راست و رفرمیست درون جنبش کارگری به هم می پیوندند.

این که چندی قبل علیرضا محجوب، دبیر کل خانه کارگر، به عنوان نایب رئیس «فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری» منصوب شد، آن هم با

وجود تمام سرکوب های سیستماتیک خانه کارگر و تمام اعتراضاتی که علیه او در سراسر جهان صورت گرفته بود، اتفاقی نیست.

به علاوه پیش شرط این حرکت به سمت تشکل های زرد مورد توافق سرمایه داری ایران و سرمایه داری جهانی، حذف عناصر رادیکال و سوسیالیست انقلابی جنبش کارگری هست. قتل رفیق شاهرخ زمانی در سال گذشته، در واقع نتیجه همین تمایل جمهوری اسلامی و چراغ سبز طرف مقابل بود.

در عوض اکنون گرایش های رفرمیست و راست درون جنبش کارگری به هر شکلی سر و دست می شکنند تا در این توافقات دیده بشوند تا نهایتاً سهمی ببرند. تقلاهای آقای اسانلو پس از خروج از ایران و یا عملکرد «اتحادیه آزاد» و برجسته شدن افرادی مثل آقای عظیم زاده، نمونه هایی هستند از این گرایش هایی که در تحلیل نهایی در تقابل با جنبش کارگری قرار دارند. از کمیته ها و تشکل هایی که عموماً در دهه ۸۰ شکل گرفتند، عملاً چیزی باقی نمانده است جز چند اسم و بیانیه ها و فراخوان های کلیشه ای و تکراری. در نتیجه نهادهایی مثل «اتحادیه آزاد» مجبورند ابتدا به ساکن به هر شکلی شده برای خود اعتبار و وزنی پیدا کنند تا سپس در جریان توافقاتی که در بالا مشغول شکل گیری است بتوانند سهمی به خود اختصاص دهند.

ما بارها نسبت به وضعیت کنونی هشدار داده بودیم. تا به الآن یک به یک مواردی که پیش بینی می کردیم محقق شدند. روال کنونی نشون می دهد که تلاش هایی از بالا برای ایجاد یک تشکل کارگری زرد و سوپاپ اطمینان در جریان است و باید مطمئن بود که با ادامه وضعیت فعلی انفعال پیشروهای سابق جنبش کارگری، چنین تشکل دست سازی به خاطر داشتن بودجه و امکانات سرشار و قانونی بودن و همین طور عطش کارگران برای داشتن ابتدایی تشکل حامی حقوق شان، به سرعت و به راحتی می تواند پایه های وسیع پیدا کند. و به راستی چه خطری بیش از این؟

وظایفی که ما سوسیالیست های انقلابی برای خودمان ترسیم می کردیم تفاوتی پیدا نکرده، بلکه بر عکس تنها اهمیت و فوریت بسیار بیشتری یافته است.

دورنمای آینده بسیار هشدارآمیز هست. اگر طیف سوسیالیست جنبش کارگری خود را سازمان ندهد، اگر تشکل اخص خود را نداشته باشد، دخالتگری و تأثیرگذاری در فردای تحقق پروژه های رژیم محال ممکن هست.

بعد از حداقل ۱ دهه باید اعتراف کرد که پروژه های تعریف شده در دهه ۸۰ و شکل گیری برخی سندیکاها و کمیته ها، بحران زده شده و به بن بست رسیده اند. تکرار مکررات و خُرده کاری و بی عملی و سهم خواهی از جنبش و فرقه گیری و ده ها نوع آلودگی دیگر، باعث شده تا دیگر هیچ

حسابی روی بسیاری از افراد یا تشکل های موجود نتوان کرد. سهل که بسیاری از آن ها به موانع پیش روی جنبش کارگری تبدیل شده اند. در عوض نیرویی که می توان به طور قطع روی آن حساب کرد، همان رهبران عملی و پیشروی جنبش کارگری هستند که اعتصاب هایی مثل ایران ترانسفو و ایران خودرو و غیره را دارند مقابل چشم ما سازمان می دهند.

تا جایی که به ما به عنوان طیف سوسیالیست های انقلابی و کمیته اقدام کارگری بر می گردد، مدت هاست که جهت فعالیت مان را به سمت این نیروهای مؤثر چرخش داده ایم. در نتیجه همان طور که جمع ها و رهبران ناشناخته ای هستند که دارند اعتراضات را در عمل سازمان می دهند، ما هم باید جمع خاص خود، یعنی هسته های مخفی و سوسیالیستی را داشته باشیم. برای تشکیل این هسته ها هر جایی که می شود و امکان دارد هم دخالت می کنیم. در شرایط کنونی ما مدافع کار به اصطلاح توده ای، یعنی با همه کارگران نیستیم. کارگران از نظر سطح آگاهی سیاسی و طبقاتی، توده همگونی نیستند. برخی لایه ها بسیار مترقی و جلو هستند، بعضی بسیار عقب. گرایش های مختلفی اعم از چپ و راست در داخل آن وجود دارد. پایه کار ما، کارگران پیشرویی هستند که در صف اول همه این اعتراضات حضور دارند و به خصوص آن هایی که حتی به آگاهی ضد سرمایه داری هم رسیدند. از این جا به بعد وظیفه ماست که آن ها را به آگاهی سوسیالیستی ارتقا بدیم.

کار ما این است که حول یک برنامه سوسیالیستی جمع بشویم؛ بر مبنای تجربیات سابق و تجربیاتی که از فعالیت های خودمان به دست می آوریم، این برنامه را مدام به روز کنیم؛ در هر جایی با خط مشخص به طور هدفمند و با برنامه و نه باری به هر جهت دخالت کنیم. به همین خاطر است که بولتن کارگر پیشتاز را بنا به پیشنهاد و با پیگیری رفیق شاهرخ زمانی آغاز کردیم تا حول آن بتوانیم این جمع ها را شکل بدهیم. یعنی به یک ارگان سازمانده نیاز داشتیم که الآن این بولتن چنین وظیفه ای را به عهده گرفته است. وقتی اعتصاب یا اعتراض مهمی صورت می گیرد، مطالبی که قرارست قدم های بعدی اعتراض را روشن کند، تهیه می شود؛ پرینت گرفته می شود؛ رفقای به محل اعتراض می روند، بولتن را توزیع می کنند، تلاش می کنند با حضور دوباره در محل بازخورد آن را ببینند. وقتی یک فعال کارگری یا سیاسی دستگیر می شود، جلوتر از دیگران از حق دمکراتیک او دفاع می کنند. وقتی مسأله ای به موضوع روز فعالین جنبش کارگری تبدیل می شود، خطوط یا بحث های خود را به بحث می گذارند تا به خط جنبش تبدیل بشود؛ و نهایتاً وقتی از دل همه این فعالیت ها، کارگرانی را پیدا می کنند یا کارگرانی به آن ها رجوع می کنند، برای آن ها یک به یک وقت ویژه می گذارند تا همه مسائل راه، از موضوعات امنیتی گرفته تا برنامه و فعالیت های عملی، به آن ها منتقل کنند. این

کارها هرچند سخت و وقت گیر و گاهی طاقت فرسا است، اما صحیح ترین مسیر برای ساختن اصولی هسته های مخفی کارگری و سوسیالیستی از همان ابتدای کار است، تا بعداً بر مبنای همین هسته ها حزب پیشتاز انقلابی متولد بشود و بتواند عملاً به ستون فقرات و رهبری جنبش تبدیل شود.

در غیر این صورت بازنده هستیم. همین الان می بینیم که استراتژیست های جمهوری اسلامی بعد از ریزش های زیاد از خود و اسلام، چه طور مشغول طراحی اترناتیوهای برای کانالیزه کردن اعتراضات در بطن جامعه هستیم. مورد تجمع گسترده در «پاسارگاد» برای بزرگداشت روز ساختگی و جعلی «روز جهانی کوروش کبیر» یکی از ده ها نوع ترفند است.

علائم و تحولاتی که در جنبش کارگری می بینیم خیلی مهم هستند و از همین حالا باید با نهایت جدیت وظایفی را که مدت هاست روی زمین مانده انجام بدهیم، وگرنه خود جنبش ما را به کناری پرتاب می کند و به راحتی یک گرایش بورژوازی می تواند بیاید و رهبری را قبضه کند.

تجمع اعتراضی سندیکای شرکت واحد در مقابل مجلس و درس های آن

صبح امروز ۲۵ آبان ماه اعتراضی از ساعت ۱۰ صبح در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی در اعتراض به اصلاحیه قانون کار و همین طور در اعتراض به تصمیم مشترک دولت و مجلس برای توسعه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی و ادغام درمان سازمان تأمین اجتماعی صورت گرفت که سندیکای شرکت واحد نیز در آن حضور داشت. به گزارش یکی رفقای حاضر، از همان دقایق آغازین تجمع، فضا به شدت امنیتی و حضور نیروی انتظامی و لباس شخصی ها کاملاً مشهود بود و زمانی که شمار معترضین به ۷۰ نفر نزدیک شده بود، ابتدا از تجمع در داخل محوطه جلوگیری می شد. در این تجمع شعارهایی مانند «قرارداد موقت، بردگی کارگر»، «توقف اصلاح قانون کار به نفع سرمایه دار»، «کارگر اخراجی شاغل باید گردد»، «شرکت پیمانکاری ملغی باید گردد» و «معیشت، منزلت حق مسلم ماست» و غیره سر داده می شد. تا به همین لحظه گزارش هایی از این اعتراض با جزئیات بیش تر در رسانه های مختلف آمده است.

اما یک جنبه برجسته در اعتراض امروز وجود دارد که تنها با تمرکز بر آن می توان از وجه صرفاً خبری خارج شد و در عوض درس ها و تاکتیک هایی را یادآوری یا کسب کرد که بتواند برای اعتراضات مشابه آتی کاربرد داشته باشد.

حضور امروز سندیکای شرکت واحد در تجمعی بود که در واقع شورای اسلامی کار فراخوانده بود، اما با صف مستقل و شعارها و مطالبات مستقل. این همان تاکتیک و سنت برگرفته از متن مبارزات جنبش کارگری است

که در شرایط نبود توازن قوا به نفع یک تشکل کارگری و انزوای تحمیلی، می توان با سازماندهی قبلی و به شکل هدفمند با صف مستقلی که لازمه آن استقلال شعارها و مطالبات و افشای نهادهای ضد کارگری فراخوان دهنده است، در چنین تجمعاتی شرکت کرد و به این ترتیب نه فقط از مصونیت بیش تری برخوردار بود، بلکه به سایر کارگرانی که شاید هرگز تاکنون نام تشکل های مستقل را شنیده اند خود را معرفی کرد.

تمام هنر یک تشکل مبارز و پیشرو در تشخیص به موقع و بجای چنین موقعیت ها و چنین دخالتگری هایی است. این سنتی ریشه دار است که کمیته اقدام کارگری نیز نه از سر ذهن که دقیقاً بنا به تجربیات تاریخی و جهانی جنبش کارگری و دخالت های خود در مراسم و تجمعات به دست آورده و بارها بر ضرورت آن تأکید کرده بود. تجمع امروز بهانه ای به دست می دهد تا مراسم اول ماه مه سال گذشته (۱۳۹۴) را به یاد بیاوریم که خانه کارگر پس از هشت سال مجوز دریافت راهپیمایی خیابانی را دریافت کرده بود. پیش از این تشکل های کارگری در این مدت وقفه طولانی به اجبار خود رأساً مراسم جداگانه ای را برگزار می کردند که آخرین آن سال ۱۳۸۸ در پارک لاله بود و از آن پس عملاً شدت سرکوب و ازهم گسیختگی تا حدی بود که هیچ مراسمی در سطح علنی و در خیابان ها شکل نگرفت و هر اعتراضی به حدی کمتر از گلگشت یا مراسم خانگی عقب نشست. اما این سبک کار برای برگزاری مراسم که چه بسا ویژگی اجتناب ناپذیر و قابل درک چنین شرایطی بود، هم چنان بعد از تغییر شرایط و مجوز رسمی برای برگزاری مراسم فرمایشی روز کارگر باقی ماند. در صورتی که اعتماد به نفس از دست رفته و عقب نشینی های سابق که همراه بود با پراکندگی و ریزش شدید پایه های این تشکل ها، زمانی می توانست تا درجه ای خنثی شود که از مراسم رسمی خانه کارگر به عنوان فرصتی برای اعتراض مستقل استفاده و به عبارت دیگر این مراسم فرمایشی به ضد خود و اهدافش تبدیل شود. اما متأسفانه تا پیش از این مراسم هیچ صحبت جدی درباره نحوه دخالت و سازماندهی مراسم آن سال نبود، جز بحث های کلیشه ای و کلی گویی و توضیحات چندین باره از منشأ تاریخی اول ماه یا صرفاً بسنده کردن به پیک نیک در دامان طبیعت. طبیعی بود که این پیشنهاد هم در لابه لای چنین موضوعاتی گم شد. نهایتاً این مراسم بدون حضور و دخالت نیروهای مستقل برگزار شد و نتیجه آن شعارهای شرم آور نژادپرستانه و فاشیستی علیه کارگران افغان بود که فضا را پوشاند. در همان مقطع افراد بسیاری در طیف چپ بودند که از این تجربه ابراز شرم کردند، اما مطلقاً توضیحی ندادند که آیا دخالت یک نیروی مستقل می توانست مانع چنین رویدادی شود یا خیر؟ و اگر بله، پس چرا کلامی درباره این دخالت گفته نشد که هیچ، بلکه بعضاً در تقابل با آن صف آرایی شد، بی آن که یک بدیل مشخص و عملی ارائه شود. موضوعی به این اهمیت نهایتاً مسکوت ماند و حتی نقدهایی به

غایت سخیف و وارونه مطرح شد که گویی حضور در تجمع خانه کارگر به عنوان یک نهاد ضد کارگری و ارتجاعی، در حکم پیوستن به آن یا تأییدش است! در حالی که عدم دخالت سازمان یافته در آن مراسم دست خانه کارگر را باز گذاشت تا با گردهم آوردن چند هزار کارگر، سیاست خود را برای چانه زنی‌های آتی در بالا پیش ببرد که انتخاب علیرضا محبوب به عنوان نایب رئیس فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری گوشه‌ای از آن است.

اما مراسم اول ماه مه امسال، ۱۳۹۵، دستکم از زاویه طرح این تاکتیک و تبدیل آن به موضوع بحث و یک تاکتیک پیشنهادی، تغییری کیفی داشت. سال گذشته سندیکای نقاشان البرز تقریباً تنها تشکلی بود که بر مبنای تجربه مشابه زنده یاد شاهرخ زمانی در سازماندهی مراسم اول ماه مه در ورزشگاه شیروودی به فراخوان خانه کارگر (سال ۱۳۸۶) و همین طور با برخورد انتقادی به نحوه برگزاری تاکنونی مراسم، صحیح‌ترین و مرتبط‌ترین شیوه را دنبال کرد که با حمایت شماری از دانشجویان، فعالین کارگری و اعضای سندیکای شرکت واحد نیز دنبال شد. جالب است که به فاصله چند ماه بعد از این تجربه، تازه انتقادهایی به شکل جسته و گریخته و سربسته یا روشن مطرح شدند که همین تأخیر نشان دهنده بی‌ربطی منتقدان به موضوعات حساس جنبش کارگری بود. ماهیت نازل و وارونه این نقدها این بود که چنین تاکتیکی زمانی قابل قبول است که توازن قوا به نفع ما باشد؛ اما توضیح داده نشد که اگر چنین توازن قوایی وجود داشت که قاعدتاً می‌بایست مستقلاً یک مراسم وسیع و زنده، آن هم نه در دشت و کوه که کف خیابان، برگزار کرد. علت حضور در تجمعات رسمی، درست به دلیل نبود همین توازن قوا است. به راستی چرا شعار را باید در کوه سر داد و خود را با پژواک آن راضی کرد و نه در کف خیابان و در کنار هزاران کارگر و عابر. چرا باید در هر جایی بازداشت شد، به جز در یک اعتراض یا در حین سازماندهی آن. مراسم اول ماه مه، تداوم مبارزه طبقاتی است و نه وقت استراحت. نهایتاً در این نقدها به کلی گویی‌هایی بسنده شد که هر زمان دیگری و به هر مناسبت دیگری هم می‌توانست مطرح شود، بدون این که یک بدیل مشخص و ملموس پیش گذاشته شود.

تجربه امروز سندیکای شرکت واحد مجدداً نشان داد که این سبک کار، بسته به شرایط و موقعیت‌های مشخص که عدم توهّم به نهادهای رسمی و سازماندهی و تدارک قبلی در آن حرف اول را می‌زند، دستاوردی دهه‌ها بار بیش از بیانیه نویسی و صدور فراخوان یا اعتراض‌های پشت درهای بسته دارد که متأسفانه به سبک کار مرسوم و جاافتاده بسیاری از تشکلهای تبدیل شده است.

این نوع دخالتگری سنت فراموش شده‌ای است که پیشروی کارگری باید مجدداً جا بیندازد؛ همان طور که فعالان سندیکای شرکت واحد، به اندازه توان، سهم‌شان را به درستی ادا کردند.

کمیته اقدام کارگری، ۲۵ آبان ۱۳۹۵

گزارش فشرده‌ای از فعالیت‌های تاکنونی

در چند ماه گذشته رفقا و حامیان کمیته اقدام کارگری در ایران و خارج از ایران با تمام توان درگیر دخالتگری و سازماندهی فعالیت‌ها در حوزه‌های مختلف بوده‌اند و واقعاً اغراق نیست اگر بگوییم به مرحله‌ای رسیدیم که حتی ۲۴ ساعت شبانه روز هم برای انجام و تکمیل کارها کفایت نمی‌کند. این را با افتخار می‌تونیم ادعا کنیم که حجم کارها و فعالیت‌هایی که انجام شده، بسیار بیش از نیرو و توان موجودمان است، اما از خودگذشتگی و انگیزه بالا و روحیه انقلابی همه رفقا بر این موانع هم غلبه کرده. این روند بیش از هر چیز برای خود ما روحیه بخش و دلگرم کننده است، چون احساس می‌کنیم که درگیر فعالیت‌هایی مولد و سازنده هستیم و به هر حال داریم نقشی هرچند کوچک در جنبش کارگری ایران ایفا می‌کنیم، هرچند نسبت به کارهای ناتمام یا وظایفی که هنوز روی زمین مانده و باید با فوریت هرچه بیش تر انجام بگیرد، هنوز در ابتدای راه هستیم.

(۱) بخش مهمی از فعالیت‌های اخیر، متمرکز بر تهیه و به خصوص توزیع بولتن کارگر پیش‌تاز بوده است. پنجمین شماره بولتن بنا به ارزیابی همه رفقای فعال بهترین شماره بوده، هم به لحاظ محتوا و هم وسعت توزیع آن. این بولتن در مناطق کارگری تهران، کرج، رشت و اصفهان توزیع و با استقبال خوبی رو به شده است. در ماه گذشته رفقا به همین ترتیب مشغول توزیع ششمین شماره بولتن بوده‌اند که ۱ هزار نسخه آن در تنها کرج بوده است.

(۲) به علاوه در طول ماه‌های گذشته با وجود مشکل مالی، با حمایت مادی و معنوی رفقای متحد توانستیم تا درجه‌ای بر این معضل غلبه کنیم و همچنان برنامه ماهواره‌ای «صدای کارگر سوسیالیست» را ادامه بدهیم. با توجه به سرعت پایین و محدودیت حجمی اینترنت در ایران، رفقای لطف کردند و برنامه‌ها را به صورت فایل‌های صوتی در وسیع‌ترین سطح از طریق شبکه‌های اجتماعی و نرم افزارهای ارتباط جمعی در اختیار علاقه‌مندان قرار دادند.

(۳) در این بین فعالیت‌های عملی حمایتی در حوزه‌های مختلف به شکل توزیع نمادین پوستر و تراکت ادامه داشته است. از جمله در آخرین مورد در اعتراض به حکم ۷ سال زندان برای آتنا دائمی، از فعالین حقوق کودکان کار و خیابان و همین طور به دنبال خبر شوکه‌کننده و واقعاً دردآور شلاق مدیر به چند دختر بچه در مدرسه‌ای در یکی از روستاهای کرمان فقط به خاطر ناتوانی از پرداخت تنها ۳۰ هزار تومان شهریه، رفقا

با حساسیت به موقع و با استفاده از ایام تاسوعا و عاشورا پوسترها و تراکت‌هایی را در سطح شهر توزیع کردند.

۴) در سطح خارج از کشور هر یک از رفقا بسته به شرایط و امکانات سعی کردند که دخالتگری‌های مختلفی، مثل شرکت در آکسیون‌ها یا برگزاری میز کتاب و غیره داشته باشند. مهم‌ترین این فعالیت‌ها، کارزار بین‌المللی رفیق شاهرخ زمانی بوده که به همت رفقای کمیته اقدام کارگری و گرایش مارکسیست‌های انقلابی و با حضور و دخالت فعالین سرشناس جنبش کارگری و اتحادیه‌های بریتانیا، روز ۲۰ اکتبر در لندن با موفقیت رسماً اعلام موجودیت کرد. قبل از این هم نامه سرگشاده نمایندگان اتحادیه‌های کارگری بریتانیا (با بیش از ۵۰۰ هزار نفر عضو) به روزنامه گاردین لندن برای بررسی علل مرگ رفیق شاهرخ زمانی و درخواست محاکمه مسببین آن در روزنامه گاردین بریتانیا منتشر شده بود.

۵) گذشته از این‌ها، رفقای کمیته اقدام کارگری با متحدین خود در کشورهای همسایه مانند افغانستان تاکنون فعالیت‌های مشترک زیادی داشته‌اند. از جمله مدتی پیش توزیع همزمان پوسترهایی در ایران و کابل در اعتراض به رفتار شرم آور پلیس شیراز با «اتباع بیگانه غیرمجاز» و نمایش شرم آور این مهاجرین بی حقوق در قفس‌های فلزی صورت گرفت و همین‌طور دخالت‌های مشترک در اعتراضات موسوم به «جنبش روشنائی» در کابل از طریق تهیه مطالب، انتشار و توزیع اعلامیه و شرکت هدفمند در اعتراضات کابل، آن هم با وجود جو امنیتی و مخاطراتی که بعد از حمله انتحاری مدتی قبل در این اعتراضات وجود دارد. به زودی قرار است که نشریه‌ای مشترک با رفقای افغانستان هم منتشر کنیم که به محض تحقق، آن را به اطلاع می‌رسانیم.

۶) انتشار مطالب تئوریک و تحلیلی در مورد موضوعات روز داخلی و بین‌المللی بدون وقفه ادامه پیدا کرده و سعی کرده ایم که بلافاصله نسبت به موضوعات مهم سریع‌ترین و تا حد امکان بهترین واکنش را داشته باشیم. تا به الآن بازخورد این مطالب بسیار مثبت بوده و واقعاً خواندن پیام‌ها و کامنت‌های خواننده‌ها در این مورد برایمان دلگرم‌کننده بوده است. باعث افتخار ماست که اعضای صفحه «مباحثات مارکسیستی» در فیسبوک از مرز ۸ هزار نفر گذشته‌اند.

علاوه بر این تاکنون بیش از ۱۰۰ جزوه درباره موضوعات مختلف سیاسی و اقتصادی و اجتماعی منتشر شده است که رفقا به رایگان می‌توانند آن‌ها را دریافت و مطالعه کنند.

و ضمناً به زودی شماره جدید نشریه «کارگر میلیتانت»، ویژه آبان ماه هم منتشر می‌شود و در اختیار همه رفقا قرار می‌گیرد.

۷) بخش فارسی «آرشیو اینترنتی مارکسیست‌ها» با بیش از ۵۰ زبان که جامع‌ترین مرجع متون مارکسیستی هست، طی یک سال گذشته بسیار

ارتقا پیدا کرده و آثار کلاسیک بسیاری، به خصوص از لئون تروتسکی، ترجمه شده و روی سایت قرار گرفته است.

۷) مجموعه این فعالیت‌ها باعث شده تا تعداد تماس‌های دانشجویان و کارگران عموماً جوان از ایران با ما واقعاً رشد چشمگیری داشته باشد و همچنان در تلاش هستیم که برای یک به یک این رفقا، موضوعات‌شان و نهایتاً سازماندهی فعالیت‌های ممکن، تا جایی که می‌تونیم وقت بگذاریم تا نهایتاً از همین طریق بتوانیم هسته‌های کارگری را از پایین شکل بدهیم.

در نتیجه اتفاقی نیست که دقیقاً در این شرایط موجی از حملات سایبری به سایت‌ها و صفحات فیسبوک ما رخ داد که توانستیم با تلاش‌ها و حمایت‌های رفقا خنثی کنیم و نشان بدهیم که این‌ها کمترین دست‌اندازها در مسیر فعالیت ماست.

نهایتاً باز هم باید یادآوری کنیم که در شرایط خاص فعلی جنبش کارگری، اتلاف وقت و انرژی به هیچ‌عنوان جایز نیست و برای ثانیه به ثانیه فعالیت‌ها باید با یک چشم انداز مشخص برنامه ریزی کرد. به خصوص که از هم اکنون باید برای مسأله افزایش دستمزدها در اسفندماه و سپس مراسم اول ماه مه و انتخابات ۹۶، دخالتگری و سازماندهی امور را آغاز کنیم.

و باید مطمئن باشیم که یک نیروی کوچک انقلابی، اگر بهترین و جدی‌ترین سازماندهی را در شرایط فعلی که وقت تنفس است انجام بدهد، به سرعت می‌تواند به یک نیروی تعیین‌کننده در جایگاه رهبری یک جنبش تبدیل شود.

ما با همین چشم انداز و انگیزه است که به فعالیت‌ها ادامه می‌دهیم و هر مانعی را که بخواهد در مسیر جنبش قرار بگیرد زیر پا له می‌کنیم. ما نیرو و اعتماد به نفس خود را از جنبش عظیم کارگری ایران می‌گیریم.

«کارزار بین‌المللی شاهرخ زمانی رسماً افتتاح شد!»

«کارزار بین‌المللی شاهرخ زمانی» روز ۲۰ اکتبر رسماً در لندن راه اندازی شد. در این نشست که در مقر «اتحادیه ملی معلمان (NUT)» برگزار شد، شماری از سخنرانان به نمایندگی از جنبش کارگری و اتحادیه‌های کارگری شرکت داشتند. پیتر تچل، فعال کهنه کار حقوق بشر نیز در این نشست حضور به هم رساند.

مَت ولز، فعال اتحادیه PCS و از حامیان شبکه همبستگی کارگران ایران (IWSN) در ابتدای نشست به تشریح اهداف کارزار و دلیل راه اندازی آن در مقطع کنونی پرداخت و در عین حال به فعالیت در شبکه همبستگی کارگری که جای خود را به کارزار جدید کنونی می‌دهد، بدرود گفت. مت توضیح داد که از سرگیری روابط رژیم ایران با سرمایه‌داری «غرب» منفعتی برای کارگران و جوانان نداشت، بلکه در عوض سرکوبی جنبش کارگری ادامه یافت. مرگ شاهرخ زمانی در سال گذشته مؤید

همین بود. حبس و متعاقباً - به اعتقاد ما - قتل او بابت تشکیل یک سندیکای مستقل و تن ندادن به سکوت حتی در پشت میله های زندان، هشداری از سوی رژیم ایران به کارگران و جوانان بود. با این حال ما چه در داخل و چه خارج از ایران سکوت نمی کنیم.

سپس دنیل رندل، از فعالین اتحادیه RMT و کارگر متروی لندن صحبت کرد. دنیل بر اهمیت همبستگی برای جنبش کارگری دست گذاشت؛ این که مبنای همبستگی، منافع طبقاتی است و نه مرزهای ملی. دنیل اهمیت طومار اعتراضی برای آزادی شاهرخ زمانی و رضا شهبانی را برشمرد و توضیح داد که این طومار اعتراضی نه فقط از منظر تلاش برای آزادی این دو فعال، بلکه از حیث افزایش سطح آگاهی همکارانش درباره اهمیت وحدت و یکپارچگی طبقه کارگر اهمیت داشته است.

سپس کلویی درباره زندگی و مرگ شاهرخ زمانی، همراه با تصاویری از فعالیت های داخل ایران و آغاز به کار کارزار شاهرخ زمانی در افغانستان پخش شد.

عمر راعی، عضو کمیته اجرائیه اتحادیه ملی دانشجویان و فعال NCAFC نیز در مورد اهمیت جنبش دانشجویی، ارتباط تنگاتنگ و همبستگی بین جنبش های کارگری و دانشجویی و همچنین تاریخ پرشکوه جنبش دانشجویی ایران صحبت کرد.

سپس پیامی صوتی از آرام نوبخت، از فعالین کمیته اقدام کارگری ایران، پخش شد. در این پیام او به شوک و ناباوری خود پس از شنیدن خبر درگذشت شاهرخ زمانی اشاره کرد و این که در ابتدا تصور می کرد یا می خواست چنین کند که این تنها یک شایعه است. درست تا شب پیش از مرگ نابهنگام شاهرخ با او صحبت شده بود و شاهرخ «مثل همیشه سرشار از انرژی بود». اما بعد روشن شد که شایعه حقیقت دارد. پیکر شاهرخ علائمی از کبودی ناشی از مسمومیت را نشان می داده است. آرام اشاره کرد که الآن دیگر فرصتی برای تأسف خوردن نیست و ادامه داد: «تصادفی نیست که شاهرخ دقیقاً زمانی به قتل رسید که جنبش کارگری و سطح مبارزات و رادیکالیسم آن رو به صعود بوده است؛ اعتصابات روزمره، درگیری خیابانی با نیروی انتظامی و حتی اشغال کارخانه و نظایر این ها»

«شاهرخ بی وقفه شب و روز مشغول سازماندهی خستگی ناپذیر از داخل سلول زندانش بود. چیزی که شاهرخ را از سایر فعالین کارگری معمول متمایز می کرد، دغدغه او برای ساختن یک حزب انقلابی بود. در گذشته بارها از او خواسته بودیم که لحن و زبان مقالات و بیانیه اش را ملایم تر کند، اما شاهرخ می گفت: من ۱۱ سال حبس گرفته ام. چیزی برای دست دادن ندارم. راهی برای خلاصی از این جا نیست ... شما تضمین کنید که از این جا زنده بیرون می آیم تا من هم سکوت می کنم ... اگر نه، نمی خواهم فرصت مبارزه با این رژیم را از دست بدهم»

«میراث شاهرخ زمانی هنوز زنده است ... شاهرخ در روزهای آخر حیاتش روی اهمیت انتشار یک بولتن به عنوان ابزار یا ارگان سازماندهی کمیته مان تأکید می کرد. ظرف یک سال گذشته ما به طور سیستماتیک درگیر انتشار و توزیع بولتن ها در مناطق کارگرنشین و اطراف یا داخل کارخانه ها بوده ایم ... و همین طور توزیع پوستر و تراکت ... در حمایت از سایر فعالین سیاسی»

«ما قویاً اعتقاد داریم در همان مسیر هستیم که شاهرخ پیشنهاد کرده بود و این تنها راه مطمئن برای پی ریختن یک حزب انقلاب از پایین است ... با پیدا کردن مبارزترین کارگران، آموزش دادن شان و جذب کردنشان. این تنها پایه و اساس برای حزب آتی ماست. و این همه میراث شاهرخ زمانی است.»

کلی راجرز، فعال BECTU و رهبر جنبش اعتصاب در بین کارگران سینما «ریتسی» در جنوب لندن نیز توضیح داد که چه طور تجربه اش در محیط کار، اهمیت همبستگی را در مواجهه با حملات از سوی کارفرمایان به وضعیت معاش و دستمزد کارگران به او آموخته است. همین امر الهام بخش او برای سازماندهی همکارانش بود. کلی گفت که هرچند وضعیت ما در بریتانیا با وضعیت حاد و وخیم کارگران ایران و مبارزات شان با رژیم و کارفرمایان قابل مقایسه نیست، اما درک می کند این که یورش ها به کارگران از یک نقطه مشترک آغاز می شود: طبقه حاکم. پیتر تچل نیز سخنرانی نیرومند و الهام بخشی داشت و در انتها وعده داد که حاکمیت استبدادی رژیم ایران بالاخره سقوط خواهد کرد. پیش از پایان جلسه و آغاز بحث، مراد شیرین از طرف شبکه همبستگی کارگران جزئیات بیش تری را درباره تحولات اخیر ارائه داد. ویدیوی هر دو سخنرانی او در این قسمت موجود است.

این نشست به توافقی برای تهیه بیانیه ای که ظرف روزهای آتی منتشر خواهد شد و همین طور یک قطعنامه پیشنهادی برای اتحادیه های کارگری و جنبش دانشجویی و سازمان هایی دست یافت که همین این جا منتشر خواهد شد. ایده ها و پیشنهادهایی برای فعالیت ها به بحث گذاشته شد که ماحصل آن در نشست سازماندهی مقدماتی که به زودی فراخوانده خواهد شد لحاظ خواهد شد. ما مصممانه در تلاشیم جنبشی برای همبستگی ایجاد کنیم که بتواند که ریشه های محکم و استواری در جنبش بریتانیا و جهان پیدا کند.